

پاسخ یک تحلیلگر آمریکایی به این سوال «چرا دانشمندان ارشد هسته‌ای ایران ترور شد؟»

تروری بدون منطق

درحالی که ایران به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای نیست، اسرائیل با چراغ سبز آمریکا دیپلماسی را دشوار و دشمنی‌ها را تعمیق کرد

باربارا اسلاوین، کارشناس مسائل ایران و همچنین رئیس برنامه «آینده ایران» در اندیشکده شوری آتلانتیک است. او مدت‌هاست در رسانه‌های آمریکایی درباره مسائل مختلف ایران قلم می‌زند و حالا پس از ماجرای ترور دکتر محسن فخری‌زاده از نگاه خود در چند مطلب مختلف به تحلیل ماجرا پرداخته است. محتوایی که اکنون پیش رو دارید پس از واقعه روز جمعه در روزنامه نیویورک تایمز منتشر شده و ما امروز تلاش کرده‌ایم به مهم‌ترین بخش‌های آن نگاهی گذرا داشته باشیم.

نکته مهمی که این متن بر آن سوار شده نشان دادن بی‌منطق بودن این ترور است و از سوی دیگر مانند دیگر مواضع نیویورک تایمز ادله‌ای آورده شده که در آن نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی پشت این ترور قرار داشته و آن را اجزایی کرده است. در این خصوص وقتی نگاهی به دیگر مطالب این نشریه می‌کنیم متوجه می‌شویم که این خط تحلیلی در همه مطالب آنهاست. برای مثال آنها در مطلب دیگری نوشته‌اند: «قتل فخری‌زاده آخرین مورد از الگوی یک دهه‌ای مسمومیت اسرارآمیز، خودروهای بمب‌گذاری شده، تیراندازی‌ها، دزدی‌ها و خرابکاری‌هایی بود که باعث آزار و اذیت جمهوری اسلامی شده‌اند. هدف بیشتر این موارد دانشمندان عمدتاً ناشناخته یا تاسیسات مخفیانه‌ای بود که گمان می‌رود مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران باشند و در اغلب موارد هم مقامات هر دو کشور آمریکا و ایران این عملیات‌ها را به دشمن بزرگ تهران، اسرائیل نسبت داده‌اند. مقامات اسرائیل نیز آشکارا از موفقیت آمیز بودن عملیات‌های جاسوسی‌شان ابراز خشنودی کرده‌اند بدون اینکه به صورت رسمی تایید کنند که عوامل اسرائیلی در آن دخالتی داشته‌اند.»

اسلاوین در ابتدای این متن نگاهی به تفاوت ترور اخیر با اقدامات صهیونیست‌ها در سال‌های پایانی دهه ۸۰ و یکی دوسال ابتدایی دهه ۹۰ دارد و توضیحاتی را در این خصوص مطرح می‌کند. او می‌نویسد: «زمانی که اسرائیل نقشه ترور ۶ تن از دانشمندان هسته‌ای ایران را از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ کشید، حامیان این ترور‌ها می‌گفتند در زمانی که دیپلماسی چندجانبه پیشرفت چشمگیری ندارد، این اقدام موجب آهسته شدن برنامه هسته‌ای ایران می‌شود. اما شرایط ترور محسن فخری‌زاده، دانشمند برجسته هسته‌ای ایران در روز جمعه متفاوت بود.»

نکته اول نگارنده درباره این تفاوت این است که اساساً تهدیدی برای تولید سلاح در صنعت هسته‌ای ایران درحال حاضر وجود ندارد. «این روزها ایران مجدداً درحال تولید مقدار زیادی اورانیوم است، اما این مقدار به سطح لازم برای تولید سلاح هسته‌ای نزدیک نشده است.» و اینکه همین میزان تولید اورانیومی که اکنون بیشتر از سقف مجاز برای انجام است به ذات خواسته ایران نبوده است. «اقدامات این کشور عمدتاً به دلیل خروج یک‌جانبه دولت ترامپ از توافق هسته‌ای انجام گرفته است و این درحالی است که با وجود پایبندی ایران به برجام، گفته می‌شود هدف ترامپ از خروج از توافق هسته‌ای ایجاد مانع برای ایران درخصوص ذخیره‌سازی اورانیوم کافی برای ساخت سلاح اتمی تا ژانویه سال ۲۰۳۱ بوده است.»

اسلاوین در ادامه به اظهارات مقامات ایرانی درباره تعهد مجدد

به برجام هم این گونه می‌نویسد: «ایران بارها گفته که اگر دولت بایدن از برجام به‌طور کامل تبعیت کند و تحریم‌های طاقت‌فرسایی که ترامپ اعمال کرده را بردارد، این کشور نیز از این توافق تبعیت خواهد کرد» و استدلال کرده که با چنین وضعیتی نباید یک دلیل قانع‌کننده برای دست زدن به چنین اقدامی یعنی یک ترور فیزیکی وجود داشته باشد و لذا یک سوال محوری را برای ادامه بحث مطرح می‌کند و آن این است که: «پس چرا آقای فخری‌زاده الان کشته شد؟»

او در پاسخ به این سوال این گونه می‌نویسد: «بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با حمایت دونالد ترامپ ظاهراً تمایل دارند راه بازگشت جو بایدن به دیپلماسی را سخت کنند. رژیم صهیونیستی و دولت ترامپ ظاهراً هراس دارند دولت بایدن به دنبال بازگشت سریع به برجام باشد، اقدامی که از جانب آنها گفته می‌شود می‌تواند اقتصاد پرچالش ایران را تا حدودی احیا کند و تلاش برای کاهش نفوذ این کشور در خاورمیانه را سخت‌تر کند و لذا ترور آقای فخری‌زاده همه این کارها را سخت‌تر کرده است.»

مجری این ترور کیست؟

اسلاوین در ادامه این مطلب حتی به دلایلی استناد می‌کند که طبق آنها رژیم صهیونیستی مجری ترور اخیر بوده و ایالات متحده آمریکا هم چراغ سبز خود را به انجام آن نشان داده است. در این بخش آمده: «دولت اسرائیل مثل همیشه مسئولیت این ترور را برعهده نگرفته اما بی‌ملاحظگی در قتل آقای فخری‌زاده و چندین



گزارش منتشر شده انگشت‌اشاره به سمت موساد می‌گیرد. دولت ترامپ نیز شاید از قبل از این نقشه‌ها خبر بوده اما پمپئو، وزیر امور خارجه اخیراً در اسرائیل حضور داشت و دولت ترامپ این ترور را محکوم نکرده است.»

نگارنده مطلب خود را این گونه ادامه می‌دهد: «ترور آقای فخری‌زاده که به عنوان مغز متفکر سلاح‌سازی ایران شناخته می‌شد، برنامه هسته‌ای ایران را با افت همراه نمی‌کند، مساله‌ای که کاملاً واضح و روشن است.» او برای حرف خود استدلال‌هایی ارائه می‌کند

مبنی بر اینکه آمریکایی‌ها در این سال‌ها نتوانسته‌اند استناد متقنی ارائه کرده و ایران را متهم به رفتارهایی برای حرکت به سمت تسلیحات هسته‌ای کنند. او می‌نویسد که صرفاً براساس گفته دستگاه اطلاعاتی آمریکا، ایران مطالعاتی درباره تولید فعالیت‌های نامتعارف هسته‌ای داشته است که آن هم البته ۱۷ سال پیش به پایان رسیده است. اسلاوین البته این را هم اشاره می‌کند که این موضوع ادعایی است که سازمان سیا و یک گروه ایزورس میون ایرانی یعنی منافقین بیان داشته‌اند. مدیر برنامه «آینده ایران» در اندیشکده شوری آتلانتیک در ادامه بحث خود به این تاکید می‌کند که ایران با وجود انجام این ترور و خشمی که بابت انجام آن دارد باز هم به سمت ساخت سلاح هسته‌ای پیش نخواهد رفت و اساساً رغبتی در این زمینه وجود ندارد ولی در حوزه‌های دیگر چالش‌هایی حتماً به وجود آمده یا تشدید خواهند شد. در مطلب این نویسنده آمریکایی آمده است: «به احتمال زیاد این ترور باعث خواهد شد دشمنی میان ایران و آمریکا افزایش یافته

انتقام‌گیری به شکلی دیگر

در این نوشته به موضع رئیس‌جمهور ایران هم این گونه پرداخته شده که: «حسن روحانی گفت که ایران نیز با روش خود و به موقع پاسخ خواهد داد. وی اسرائیل را مقصر دانست و افزود: «این ترور وحشیانه نشان می‌دهد که دشمنان ما در هفته‌های پراضطرابی هستند و احساس می‌کنند دوران فشار آنها در حال کم شدن است و شرایط جهان در حال تغییر است.» و مبتنی بر آن استدلال کرده که: «این اظهارات نشان می‌دهد که ایران به دنبال انتقام‌گیری از اسرائیل به شکلی دیگر است. ایران شاید حمایت خود را از جنبش حماس یا جهاد اسلامی افزایش دهد و تلاش کند از این مسیر به اسرائیل فشار وارد آورد. یا اینکه در تبلیغات رسانه‌ای خود همچنان اسرائیل را «شیطان کوچک» معرفی کند. علاوه بر این باید این را هم گفت که آمریکا نیز ممکن است به خاطر مشارکت با اسرائیل در ترور اخیر در خطر قرار بگیرد و این علاوه بر حسنی است که ایرانی‌ها پس از ترور قاسم سلیمانی، ژنرال ارشد ایرانی در ماه ژانویه نسبت به آمریکا پیدا کرده‌اند.» اسلاوین در بخشی دیگر از متن خود با اشاره به تیم بایدن، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا

این گونه می‌نویسد: «با توجه به اینکه این اتفاقات داغ درحال رخ دادن هستند، دولت بایدن اکنون با چالشی جدی روبه‌رو است. بایدن متعهد شده که به مذاکرات با ایران باز خواهد گشت، اما بایدن و تیمش به جز صبوری تا مراسم تحلیف در بیستم ژانویه و متوقف کردن کارزار کارشکنی‌های اسرائیل، نمی‌توانند کاری بیشتر از ارسال پیام از طریق رسانه‌ها به ایران انجام دهند.» او البته در این نوشته از اروپایی‌ها می‌خواهد که در این زمینه نقش فعالی داشته باشند و تاکید می‌کند: «در این میان، کشورهای اروپایی که روابط دیپلماتیک با ایران دارند و همچنین عضوی از برجام هستند، می‌توانند این خلأ را پر کنند تا بایدن در مراسم تحلیف سوگند یاد کند.

بریتانیا، فرانسه و آلمان باید به دنبال اعزام نمایندگان باشند که بر اجرای تعهدات ایران طبق توافق نظارت کنند.

وزاری خارجه این کشورها باید خیلی زود عمل کنند و بیانیه‌هایی برای محکوم کردن این ترور ارسال کنند و آن را طبق قانون بین‌المللی غیرقانونی بدانند که به معنی گسترش (سلاح هسته‌ای) ضربه وارد کرده است. یکی از سخنگویان اتحادیه اروپا برای امور سیاست خارجی قبلاً این ترور را «یک اقدام جنایی» توصیف کرد.»

ایران برخلاف رژیم صهیونیستی، هند، پاکستان و کره شمالی سلاح هسته‌ای تولید نکرده است

در بخش پایانی این متن اسلاوین نگاهی به روند تسلیحاتی شدن ایران و سپس قیاس آن با کشورهای منطقه از جمله پاکستان و هند داشته است. او البته در این زمینه ایران را با رژیم صهیونیستی و کره شمالی هم مقایسه می‌کند و صراحتاً اشاره می‌کند با وجود اینکه ایران امکان حرکت به سمت تسلیحات هسته‌ای را داشته، اما برخلاف کشورهای یادشده چنین اقدامی نکرده و برای تولید بمب اتمی دست به کار نشده است. به دلایل مختلفی برنامه هسته‌ای ایران آهسته شده است. او در این بخش می‌نویسد: «این برنامه در دهه ۵۰ میلادی به لطف دانشی که دولت آیزنهاور از طریق برنامه «اتم‌برای صلح» در اختیار این کشور گذاشت آغاز شد. دولت اندرو جانسون، هفدهمین رئیس‌جمهور آمریکا ۱۰ سال بعد، اولین راکتور تحقیقات هسته‌ای کوچک را به ایران اعطا کرد. او ادامه می‌دهد: «بعد از ۶۰ سال که از اقدامات ایران در بحث هسته‌ای می‌گذرد، اسرائیل، هند، پاکستان و کره شمالی همگی بمب‌اتمی ساخته‌اند اما ایران این کار را نکرده است و اکنون هم برنامه‌ای برای این کار ندارد. این کشور تنها یک نیروگاه هسته‌ای فعال دارد و این هم دلیلی برای ساخت تسلیحات نیست.

از طرفی اما یک نکته مهم دیگر هست و آن اینکه اگر تجاوزهای اسرائیل اکنون ایران را ترغیب کند که محاسبات خود را تغییر داده و سراغ ایده‌پردازی یا برنامه‌ریزی برای ساخت سلاح اتمی برود، این مساله فاجعه‌آمیز خواهد شد. این امر می‌تواند موجب ایجاد یک رقابت بر سر تسلیحات اتمی در سرتاسر خاورمیانه شود و این منطقه را همچنان متلاطم سازد که با درگیری‌های فرقه‌ای و دیگر درگیری‌ها در حال فروپاشی است و توانایی مردم آن برای انجام کار پربازده متوقف شده و جوانان آن نیز جذب نیروهای تروریست می‌شوند.»



یادداشت

محمد هادی راجی
جامعه‌شناس

آوردۀ است که مانع بازتولید معنا در بطن جامعه و انباشت در ذهن اجتماعی می‌شود. در این بین، این پرسش وجود دارد که ذهنیت ایرانی در طول تاریخ چگونه شکل گرفته؟! و این فرآیند چگونه به بازآفرینی خود پرداخته است؟

ذهن در واقع پدیده‌ای چندسویه است. از سویی در بستر اجتماعی قابل‌پردازش است و از سویی در بستر مطالعات شناختی و عصبی. مطالعات نورونی مغز غالباً در بستر مطالعات تجربی قرار می‌گیرد و یکی از مهم‌ترین مسائل آن نگاه به تفاوت ذهن و مغز است. در علوم اجتماعی اما به ذهن به مثابه منبعی نگریسته می‌شود که کارکردی سیستمی داشته و توانایی خودآگاهی دارد. خودآگاهی جمعی و ذهن اجتماعی در این عرصه از مطالعات ذهن، موضوعی است که در علم جامعه‌شناسی نیز قابل مطالعه و بررسی است. در گرایش جامعه‌شناسی شناختی، این موضوع مهم مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ موضوعی که در نهاد‌های آکادمیک ایران نیز چندان مورد توجه نبوده و نیست. جامعه‌شناسی شناختی عهده‌دار مطالعه ذهن در بستر تاریخی-اجتماعی است.

گردش ناآگاهی اجتماعی در جامعه آب پایه

پایدار، موقعیت‌های سلطگی بازرگانان، بی‌اهمیت بودن برده‌داری، آبیاری مصنوعی از طریق شبکه‌های عظیم آبیاری. برجسته‌ترین موضوع ویترفولگ که در تحلیل جامعه‌شناسی تاریخی ایران نیز نقش مهمی دارد، مشخصه ششم است، یعنی موضوع آب. از نظر وی در سرزمین‌های خشک و نیمه‌خشک آسیا با موضوع آب‌پایگی مواجه هستیم. در این نوع از تحلیل، آبیاری مصنوعی نیاز به تاسیساتی داشته که ایجاد و نگهداری آنها به اتکای تمرکز اداری و توان مالی حکومت‌ها ممکن بوده و برای پاسخ به این موضوع نیز باید تمرکز اداری از جمله برای سامان دادن نیروی کار و جمع‌آوری مازاد تولید آن هم در سرزمین وسیع با تجمعات انسانی به علت کم‌آبی، تأمین شود. مطابق با این نظریه برخی تمدن‌ها مانند تمدن‌های حوزه نیل با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی سرزمین خود تنها به شرط کار جمعی فراوان روی رودخانه‌ها، کارزها و شبکه‌های آبرسانی به زمین‌های کشاورزی، توان دسترسی به آب کافی برای مصارف کشاورزی را به دست می‌آوردند. این روشمندی در اجرای کارهای جمعی، نیاز به سازماندهی فراگیر

دغدغه این سلسله‌یادداشت‌ها بر این است که بتواند نگاهی هرچند مجمل به این ذهنیت ایرانی بیندازد و با طرح نظریات جامعه‌شناسی، تحلیل‌های روزمره را به سمت استفاده روشمند از نظریات سوق دهد. در قسمت قبلی این متن به مرور نظریه جامعه کوتاه‌مدت پرداخته شد. اهم موارد مطرح‌شده در این زمینه عدم‌انباشت‌مندی در جامعه، ابهام در منافع مشترک اجتماعی و سیالیت منفی قانون بود. یکی دیگر از نظریات جامعه‌شناختی که می‌توان در شناخت جامعه تاریخی ایران از آن بهره گرفت، موضوع جوامع آب پایه است. آب به مثابه ماده‌ای ارزشمند در جامعه ایرانی شناخته شده و نقش مهمی در چگونگی شکل‌گیری نظام اجتماعی ایران در طول تاریخ داشته است. ویترفولگ جزء افرادی است که در آثار خود از جمله در کتاب استبداد شرقی (Oriental Despotism) به بررسی موضوع آب در جوامع شرقی پرداخته است. وی ۶ مشخصه در بررسی جوامع شرقی ذکر می‌کند که عبارتند از: حکومت‌های یکه سالارانه، سازمان‌های اداری متمرکز، فقدان اشرافیت

پی‌نوشت:

بهره‌گیری از مطالب کتاب ساختار نظریه‌های جامعه‌شناسی ایران: ۱۶ نظریه درباره جامعه ایران از ابوالفضل رضانی